

آثار و پیامدهای استفاده از برق خورشیدی

دکتر منصور پیروزرام

خطر سنجی بیماری‌های قلبی عروقی را فراموش نکنید

توانبر اعلام کرده که با یک برنامه مدون و جالب خورشیدی هر خانواری در ایران از جمله در شهر و شهرستان کازرون که روی سقف خانه‌اش ۵ کیلووات برق خورشیدی با نور خورشید ایجاد کند و از آن در خانه خود از برق تمیز خورشیدی استفاده کند نه تنها این خانوار می‌تواند از برق خیلی ارزان و مجانی استفاده کرده بلکه برای برق تولید شده خورشیدی در هر کیلووات ۸۰۰ تومان از دولت و توانبر پول نقد دریافت نماید. این پروژه برای تشویق مردم در استفاده از «انرژی پاک» خورشیدی و دوری خانوارها از مصرف «انرژی کثیف فسیلی» نیروگاهی می‌باشد که به مدت ۲۰ سال خرید رایگان از شما طبق فرمول محاسبات زیر انجام می‌گیرد که شما می‌توانید ماهیانه و مجانی مبلغ فوق را به مدت بیست سال تضمین و با قرارداد از توانبر دریافت نمایید. لطفاً با دقت به محاسبات زیر توجه بفرمائید.

محاسبات درآمد مجانی ماهیانه یک نیروگاه خورشیدی پنج کیلوواتی:

در یک روز خورشیدی شما می‌توانید تقریباً با یک نیروگاه ۵ کیلوواتی ۲۵ کیلووات برق خورشیدی وارد شبکه نمایید و از توانبر روزانه با کیلوواتی ۸۰۰ تومان، ۲۰۰،۰۰۰ (بیست هزار تومان) دریافت نمایید که با ۳۰ روز در ماه، ۶۰۰ هزار تومان است که سالیانه ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌شود. این برق به خانه خود شما به جای برق شبکه با قیمت خیلی ارزان‌تر و تمیز برای محیط زیست تزریق می‌شود و چون این برق به طوری که اعلام شده است کیلوواتی ۸۰ تومان محاسبه می‌شود و اگر شما این ۲۵ کیلووات را به طور کامل مثلاً برای دو کولر اسپلت ۱۸۰۰۰ BTU و تمام بقیه وسایل برقی خانه از یخچال گرفته تا تلویزیون و نور و کامپیوتر و... مصرف نمایید، فقط ۲۰۰۰ تومان در روز از ۲۰ هزار تومان شما

کیلوواتی روی سقف خانه‌اش سرمایه‌گذاری کند اولاً این یک سرمایه‌گذاری در خانه است که طول عمر آن ۲۰ تا ۲۵ سال است و دوماً نه تنها از برق مجانی و نعمت کولر اسپلت در تابستان بهره‌مند می‌شود؛ بلکه مصرف آب و گاز هم کمتر خواهد شد و سرانجام به مدت ۲۰ سال از دولت ماهیانه حدوداً ۶۰۰ هزار تومان مجانی پول نقد دریافت خواهید کرد. کسانی که مثل بنده عاشق محیط زیست هستند و می‌خواهند گازهای گلخانه‌ای را کم کنند و به اقتصاد کشور کمک کنند و نه فقط از محیط زیست صحبت کنند باید به میدان بیایند و هم شهریان عزیز را در این راه خداپسند تشویق و یاری دهند.

نهایی از قرار گرفتن پنل‌های خورشیدی روی سقف خانه شما برای تولید برق مجانی خورشیدی

کسانی که مرا می‌شناسند و می‌دانند که من در سخنرانی خود در روز ۶ فروردین امسال در خانه نجیگان کازرون اعلام کردم که شرکت من بنام نورپردازان کازرون خورشیدی کردن شهر کازرون را در ۱۰ سال آینده جزو وظائف شرکت خود کرده که اول روی سقف هر خانه کازرونی ۵ کیلووات برق خورشیدی برده و در نتیجه برق مجانی خورشیدی به خانه مربوطه می‌نماید.

محاسبه سرمایه‌گذاری پروژه ۵ کیلوواتی خورشیدی:

دولت اعلام کرده است که هر کس بتواند تقریباً ۲۵ میلیون تومان برای این پروژه ۵ کیلوواتی سرمایه‌گذاری کند و در روز ۳۰ روز در ماه، ۶۰۰ هزار تومان است که سالیانه ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌شود. این برق به خانه خود شما به جای برق شبکه با قیمت خیلی ارزان‌تر و تمیز برای محیط زیست تزریق می‌شود و چون این برق به طوری که اعلام شده است کیلوواتی ۸۰ تومان محاسبه می‌شود و اگر شما این ۲۵ کیلووات را به طور کامل مثلاً برای دو کولر اسپلت ۱۸۰۰۰ BTU و تمام بقیه وسایل برقی خانه از یخچال گرفته تا تلویزیون و نور و کامپیوتر و... مصرف نمایید، فقط ۲۰۰۰ تومان در روز از ۲۰ هزار تومان شما

سکته‌های قلبی-عروقی شایع‌ترین علل مرگ و میر در اغلب جوامع بشری هستند. در کشور ما نیز بیماری‌های قلبی-عروقی و در رأس آنها سکته‌های قلبی و مغزی شایع‌ترین علل مرگ و میر هستند. عوامل خطر ژنتیکی و محیطی در بروز سکته‌های قلبی و مغزی نقش دارند. برخی از آنها همچون سن و جنس غیرقابل تغییر هستند؛ ولی سایر آنها با در پیش گرفتن شیوه‌های مناسب تغذیه‌ای و فعالیت‌های ورزشی و در صورت لزوم با مصرف داروهای کاهنده فشارخون و چربی خون قابل پیشگیری هستند.

خطر سنجی یکی از راهکارهای مناسب در تخمین میزان «احتمال بروز سکته‌های قلبی-مغزی طی ۱۰ سال آینده» بوده و به شما کمک می‌کند تا با شناخت عوامل خطر ابتلا به بیماری قلبی، آن‌ها را کاهش دهید. برای انجام خطر سنجی بایستی از میزان‌های زیر مطلع بود.

از میزان قند خون خود مطلع شوید
قند خون بالا می‌تواند نشانه‌ای از احتمال ابتلا به دیابت باشد. اگر میزان قند خون سرمی ناشتا در دو نوبت بالاتر از ۱۲۶ میلی‌گرم در دسی لیتر باشد، نشانه بیماری دیابت است. بیماری قلبی عروقی بالغ بر ۶۰٪ مرگ‌های بیمارانی دیابتی را تشکیل می‌دهند، لذا اگر بدون تشخیص و درمان باقی بمانند، می‌تواند شما را در معرض خطر بیماری قلبی عروقی و سکته مغزی قرار دهد.

از میزان فشارخون خود مطلع شوید

فشارخون بالا اولین عامل خطر بیماری قلبی عروقی است. این بیماری قاتل خاموش نامیده می‌شود، چون اگر مقدار آن بالا باشد، معمولاً هیچ نشانه یا علامت هشدار دهنده‌ای ندارد و ممکن است اولین تظاهر آن به صورت سکته‌های قلبی یا مغزی باشد. به همین علت

تاریق نماید و سرانجام پای سازمان ملل جهانی را به کازرون باز کرده که مدت ۳۰ سال است که این سازمان علاقه به خورشیدی کردن یک شهر نمونه در جهان را دارد که تا به امروز به دلایل مختلفی موفق به این حرکت نشده است و کمک کنید که شهرستان کازرون در سازمان جهانی اولین شهر خورشیدی جهان شود و از نعمت‌های مالی و علمی و معنوی این سازمان جهانی برای شهرستان کازرون استفاده نماید. از طرف دیگر وظائف محیط زیستی خود را عملیاتی نمائیم و حقیقتاً کمتر حرف بزنیم و بیشتر عمل کنیم. خوشبختانه پروژه ۵ کیلوواتی دولت هم به کمک ما آمد و باید از آن استقبال کرد و بهره گرفت.

نتیجه:

کسانی که تصور می‌کنند که با سرمایه‌گذاری ۲۵ میلیون تومان در بانکی می‌توانند این همه راندمان را (برق مجانی خانه، کم کردن حجم آب و گاز خانه، دریافت ضمانتی حدوداً ۶۰۰ هزار تومان در ماه از توانبر برای مدت ۲۰ سال با قرار داد و کمک به محیط زیست و اقتصاد کشور) جایگزین کنند در اشتباه محاسباتی هستند و در ضمن اشتغال‌زایی برای تقریباً ۲۰۰۰ نفر در شهرستان کازرون از برق‌کار تا نصاب سیستم و مهندسین برق مختلف گرفته تا مهندسین تأسیسات و دیگر شغل‌ها را هم باید در نظر گرفت. ما در دفتر و مغازه خود در خیابان سعدی شمالی و یا با تلفن همراه اول ۰۹۱۶۴۸۵۵۴۳ در خدمت شما هستیم چون هنگام اجرا پروژه‌های مغازه ما بسته است و بهتر است قبلاً تلفنی با ما وقت ملاقات تعیین بفرمائید. سپس فراوان از شما. پس از مطالعه مطلب فوق می‌توانید با شرکت نورپردازان در شهر کازرون برای دریافت اطلاعات بیشتر وارد مذاکره شوید.

خاطرات سرهنگ پاسدار؛ حسن ملک‌زاده، از دفاع مقدس

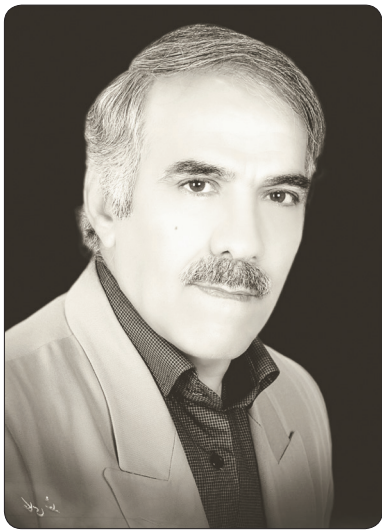
باز نویسی و ویرایش؛ محمد رحبی:

۲۸ شهریور ماه سال ۱۳۶۶ خورشیدی، صبح زود به اهواز رسیدیم بچه‌های ارکان گردان ثارالله لشکر ۳۳ المهدی جهت شناسایی و توجیه، به خط شلمچه، کنار اروند کوچک، که از اروند بزرگ در خاک عراق منشعب می‌شد، رفته بودند خط تحویل لشکر ۷ ولی عصر خوزستان بود، روز بعد وسایل و تجهیزات را تحویل گرفتیم و آماده شدیم، شب ۳۰ شهریور به طرف شلمچه حرکت کردیم و در مقر تاکتیکی لشکر یعنی همان دژهای مستحکم نعل اسبی، عراق‌ها، که رزمندگان به آنها؛ نونی می‌گفتند، مستقر شدیم، صبح من و ابوالحسن طیبی با موتورسیکلت به طرف خط مقدم حرکت کردیم یک گروهان از (ش-م-ر) یا جنگ نوین، با گروهان جعفر کتویی در خط استقرار یافتند.

مقر گردان کمی با خط فاصله داشت اصلاً یک وصله ناجور بود بگم مثل چی؟ انگار کسی که کت و شلوار شیک پوشیده باشه ولی کفش پاش نباشه، باید جلوتر می‌رفتیم!

اول مهر، آغاز پاییز هوا بهتر از روز قبل بود، از طرف بچه‌های (ش-م-ر) تماس گرفتند و گفتند: عراقی‌ها دارند میان جلو، رحیم قنبری گفت: آتش دشمن زیاده! برم یا با هم بریم؟ گفتیم: نه، تو اینجا باش من تنها میرم، قانعش کردم و با توتوهای لنگرکوز به خط رفتیم، آتش عراق سنگین بود، رحیم تماس گرفت و گفت: حسن چه خبر؟ گفتیم: به احتمال زیاد، صبح عراقی‌ها تک می‌زنند؛ رحیم هم تأیید کرد، گفتی در خط زدم و برگشتم، قرار شد صبح مقر گردان را جلوتر ببریم و اگر تک عراق حتمی شد گروهان قاسم زارع بیاد کمک ما، صبح زود با ابوالحسن رفتیم خط، آتش عراق شدت گرفت و شروع به پیشروی کردند، یک جای خالی بین دو طرف بود عراقی‌ها آمده بودند آنجا، برای چاره اندیشی و استفاده بهتر از محیط، با احتیاط جلو رفتیم، سه نفر روی خاکریز نشسته بودند، رفتیم طرفشون، سی متری آنها بودم، شک کردم که خودی هستند یا دشمن؟ دست بلند کردم و یا حسین گفتیم، مرا به رگبار بستند، خودم را پشت هلالی خاکریز انداختم؛ راستش خیلی ترسیده بودم، بچه‌ها را کمی عقب کشیدم، دل درد شدیدی حالم را گرفته بود؛ رحیم گفت: نگران نباش؛ صبحونه نخوردی اینطوری شدی! گفتیم: نه! باور کن از ترسه؛ بابا این عراقی‌ها ناشی بود و گرنه زدن من، کاری نداشت!

تک عراق گسترده شد، تماس گرفتیم و در خواست مهمات کردم و آمدن گروهان قاسم زارع، تا به کمک آن‌ها، حمله‌ی عراق را دفع کنیم؛ نقشه‌ی اصلی و کلی منطقه و نقشه‌های جزئی روی کالک را آوردیم، خط حمله مشخص شد! با جعفر کتویی هم تماس گرفتیم و هماهنگی‌های لازم شد، فرمانده گروهان‌ها را آوردیم تو مقر گردان و توجیه شدند، فرمانده دسته‌ها هم آمدند جعفر با موتور سیکلت خودشو رساند، به من نزدیک شد، دستی تکان داد، سلام کردم با هراس از



توکل می‌جویم؛ پرده را بالا زدم، همه ساکت بودند و صدایی نشنیدم، آرومه، بیا همینجا چشمم افتاد به شعر محشتم کاشانی: باز این چه شورش است که در خلق عالم است!

زود برخاستم و به خط برگشتم! عبدالله رسولی و محمدحسین جوکار، نیروها را جمع کرده بودند! با آگاهی از موقعیت جدید دشمن، بچه‌ها را جهت پاتک آماده کردیم، به بچه‌ها گفتیم: باید امانت دار خوبی باشیم! خط را از لشکر ولی عصر تحویل گرفتیم، بدونید که یک سانت هم عقب نیریم، انتقام شهدای گردان و شهدای امروز راه باید بگیریم، بچه‌ها با تکبیر سختم را تأیید کردند! از طرفی که احتمال می‌دادم عراق میاد قدری جلو رفتیم تا بهتر ببینم، با یک عراقی روبرو شدم، زیر چشمی همدیگر را دید زدم، مونده بودم چیکار کنم که یک لحظه هر دو فرار کردیم، فضل الله نوذری هم به ما پیوست، براش توضیح دادم و از مواضع دشمن آگاه گردید؛ گفت: حالا کو، کوله پشتی جعفر؟ گفتیم: چیکارش داری؟ گفت: حتماً با چیزی توش هست که بخوریم! برو بیار، درست می‌گفت یک کمپوت اناناس داخلش بود، باز کردیم

و داشتیم می‌خوریم که باز تک زدند، به طرف عراقی‌ها حرکت کردیم؛ بعد از ساعتی نبرد، تک عراق دفع شد دشمن با تلفات عقب نشست؛ بچه‌ها جانانه جنگیدند، فضل الله، به شوخی گفت: بخاطر کمپوت جعفر بود! حاج یلدالی معاون لشکر هم آمد و به کل خط و آرایش نیروها، آگاه گردید، قرار شد؛ دو گردان در خط مستقر شوند! دوم مهر ماه، صبح آتش دو طرف سنگین بود امروز عراق پاتک جدیدی آغاز کرد جایی که دیروز عقب رفته بود؛ یک جاده مشخص بود، رفتیم روی دژ، نگاه کردیم دیدیم؛ عراقی‌ها از همان جا، نیرو وارد می‌کردند، مرا دیدند و خمپاره‌ای به طرفم شلیک شد، رو دژ درست بغلم منفجر شد و من به پایین دژ پرت شدم، ولی ترکشی نخوردم، بلند شدم کمرم بد جوری درد گرفته بود!

همه سنگر زدم ققمقه‌ها خالی بود، فشنگ کم بود، دوفنر را فرستادم که آب و مهمات بیارند!

ته مانده‌ی آب ققمقه‌ها را بچه‌ها بین خود تقسیم کردند!

روز سوم مهر خبری از تک دشمن نبود ولی تبادل آتش قطع نشده بود، توپخانه ایران هم خوب کار می‌کرد و امان از آنها بریده بود، عصر نیروی جایگزین آمد و خط را تحویل دادیم! روز آخر هم یکی از بچه‌های دلیر فلاورجان به نام اکبر صفر زاده شهید شد!

درد کمرم بیشتر شد؛ برای درمان به پادگان امام در اهواز آمدم و پس از مداوا و استراحت کوتاهی در گردان فجر، لشکر ۳۳ المهدی چون به درمانگاه پادگان نزدیک بود، عصر با سایر بچه‌های رزمده به سوی کازرون حرکت کردیم!

به مناسبت سالروز آغاز جنگ تحمیلی؛ محمد رحبی، ۲۹ شهریور ۱۳۹۶ خورشیدی کازرون